



نتانیا هو همه ما را به کشتن می‌دهد

استانداردهای دوگانه و پروپاگاندای اسرائیل آرماگدون هسته‌ای را رقم خواهد زد

گروه بین‌الملل: نزدیک به ۳۰ سال است که بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل، خاورمیانه را به جنگ و ویرانی کشانده. این مرد بشکه باروتی از خشونت است. نتانیا هو (که تحت تعقیب دیوان کیفری بین‌المللی قرار دارد) با تمام جنگ‌هایی که تحمیل کرده، همیشه آرزوی جنگ بزرگی را داشته است: شکست و فروپاشی دولت ایران. این جنگی که او مدت‌ها به دنبالش بود، هم‌اکنون آغاز شده و ممکن است در آرماگدون هسته‌ای همه ما را به کشتن دهد؛ مگر اینکه جلوی نتانیا هو گرفته شود.

علاقه وافر نتانیا هو به جنگ به مرشدان تندرو او بر می‌گردد؛ زیو ژابوتینسکی، اسحاق شامیر و مناحیم بگین. نسل بزرگتری که معتقد است صهیونیست‌ها باید از هر میزانی که نیاز است از خشونت-جنگ، قتل، ترور- برای رسیدن به اهداف‌شان استفاده کنند که حذف هرگونه ادعای فلسطینیان نسبت به سرزمین مادری است.

بنیانگذاران جنبش سیاسی نتانیا هو، حزب لیکود، خواستار کنترل انحصاری صهیونیست‌ها بر تمام سرزمینی بود که «فلسطین تحت قیمومیت بریتانیاست» خوانده می‌شد.

در آغاز قیمومیت بریتانیا در اوایل سال‌های ۱۹۲۰، عرب‌های مسلمان و مسیحی حدود ۸۷ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دادند و تعداد زمین‌هایشان ۱۰ برابر بیشتر از زمین‌های یهودیان بود.

از سال ۱۹۴۸، تعداد عرب‌ها به نسبت ۲ به ۱ همچنان بیشتر از یهودیان است. با این وجود، منشور تأسیس حزب لیکود (۱۹۷۷) اعلام می‌کند که «بین دریا و اردن فقط حاکمیت اسرائیلی وجود خواهد داشت».

شعار مشهور کنونی «از رودخانه تا دریا» یا «به بحر تانحر» که یهودستیزانه تلقی می‌شود، به فراخوان تجمع ضدفلسطینی حزب لیکود تبدیل شد. چالش حزب لیکود این بود که چگونه به اهداف حداکثری خود به‌رغم غیرقانونی بودن آشکار اقدامات‌شان تحت قوانین بین‌المللی و اصول اخلاقی که هر دوی آنها خواستار راه حل دوکشوری هستند، برسد.

▼ استراتژی «شکستن تمیز»

در سال ۱۹۶۶، نتانیا هو و مشاوران آمریکایی‌اش استراتژی «شکستن تمیز» را ابداع کردند. آنها از این ایده حمایت کردند که در ازای صلح منطقه‌ای اسرائیل از سرزمین‌های فلسطینیان که در سال ۱۹۶۷ تصرف کرده نباید خارج شود. در عوض، اسرائیل خاورمیانه را به سلیقه خود تغییر شکل خواهد داد.

نکته مهم اینجاست که این استراتژی آمریکا را به‌عنوان نیروی اصلی برای دستیابی به این اهداف در نظر گرفته بود؛ جنگ‌افروزی در منطقه برای حذف دولت‌هایی که مخالف تسلط اسرائیل بر فلسطین‌اند. از ایالات متحده درخواست می‌شد تا به نمایندگی از اسرائیل وارد جنگ شود.

پس از یازده سپتامبر، استراتژی «شکستن تمیز» عملاً اجرایی شد. همانگونه که ولسلی کلارک، فرمانده ناتو، کمی پس از یازده سپتامبر فاش کرد، آمریکا برای «حمله و نابودی دولت‌ها در هفت کشور در عرض ۵ سال» برنامه‌ریزی کرد؛ ابتدا عراق، سپس سوریه، لبنان، لیبی، سودان و ایران. «اولین جنگ‌ها در اوایل سال ۲۰۰۳ برای براندازی دولت عراق بود. برنامه‌ریزی‌ها برای جنگ‌های بعدی پس از آنکه ایالات متحده در عراق گرفتار شد، به تعویق افتاد.

با این حال، ایالات متحده از تجزیه سودان در سال ۲۰۰۵، حمله اسرائیل به لبنان در سال ۲۰۰۶ و حمله انتیوبی به سومالی در همان سال حمایت کرد. در سال ۲۰۱۱، دولت اوپاما عملیات «الوار چنار» سازمان سیا را علیه سوریه راه‌اندازی کرد و بریتانیا و فرانسه در سال ۲۰۱۱ دولت لیبی را در یک کمپین بمباران سرنگون کردند. امروز این کشورها ویران شده‌اند و بسیاری دیگر گرفتار جنگ‌های داخلی.

نتانیا هو که متحدان ننوکان خود را در دولت آمریکا از جمله پال ولفوویتز، دلاگلاس فیت، ویکتوریا نولند، هیلاری کلینتون، جو

بایدن، ریچارد پرل، الیوت آبرامز و دیگران داشت، تشویق‌کننده تمام این جنگ‌های انتخابی بود؛ چه علنی چه پشت‌پرده.

▼ کمپین جمع‌آوری پول

در سال ۲۰۰۲ نتانیا هو در سخنرانی خود در کنگره آمریکا از جنگ فاجعه‌بار عراق حمایت کرد و گفت: «اگر صدام، رژیم صدام را از بین ببرید، تضمین می‌کنم پیامدهای مثبت عظیمی در منطقه خواهد داشت.»

او همچنین به نادرستی به کنگره گفت: «هیچ شکی نیست که صدام، در حال تلاش و پیشرفت به سمت توسعه سلاح‌های هسته‌ای است.»

شعر بازسازی «خاورمیانه جدید» شعار این جنگ‌هاست. این شعار که ابتدا سال ۱۹۹۶ با ایجاد استراتژی «گسست کامل» آغاز شد، در سال ۲۰۰۶ از سوی کاندولیزا رایس، وزیر خارجه رواج پیدا کرد (استراتژی گسست کامل راهکاری به‌رهبری ریچارد پرل برای نتانیا هو بود که حل مشکلات امنیتی اسرائیل در خاورمیانه را با تأکید بر «آرزوهای غربی» می‌دانست). همزمان با بمباران‌های اسرائیل در لبنان، کاندولیزا رایس گفت: «آنچه ما اینجا می‌بینیم، به یک معنا، درد فزاینده زبانه‌ایک خاورمیانه جدید است و هر کاری که انجام می‌دهیم باید مطمئن باشیم که به سمت یک خاورمیانه جدید پیش می‌رویم نه بازگشت به قبلی.»

در سپتامبر ۲۰۲۳، نتانیا هو در مجمع عمومی سازمان ملل نقشه‌ای از «خاورمیانه جدید» را نشان داد که فلسطین کاملاً از آن پاک شده بود. در سپتامبر ۲۰۲۴، او همانطور که از راهکار تغییر رژیم در کشورها حمایت می‌کرد، با نشان دادن دو نقشه جهان جزئیات بیشتری را در باره این برنامه ارائه کرد: یک بخش از خاورمیانه «نعمت» بود و بخش دیگر از جمله لبنان، سوریه، عراق و ایران، نفرین.

جنگ اسرائیل علیه ایران آخرین اقدام در این استراتژی چنددهه‌ای است. ما شاهد اوج دهه‌ها فریبکاری صهیونیست‌های تندرو در سیاست خارجی ایالات متحده هستیم.

▼ پروپاگاندای تسلیحات هسته‌ای

فرضیه حمله اسرائیل به ایران بر اساس این ادعاست که ایران در آستانه دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است. چنین ادعایی احمقانه است چون ایران بارها و بارها خواستار مذاکره شده تا دقیقاً بتواند گزینه هسته‌ای را در ازای پایان دادن به دهه‌ها تحریم‌های ایالات متحده حذف کند.

از سال ۱۹۹۲، نتانیا هو و حامیان‌اش ادعا کرده‌اند که ایران «در چند سال آینده» به یک قدرت هسته‌ای تبدیل می‌شود. در سال ۱۹۹۵، مقامات اسرائیلی و حامیان آمریکایی او از جدول زمانی ۵ ساله گفتند. در سال ۲۰۰۳، مدیر اطلاعات نظامی اسرائیل گفت که ایران «تا تابستان ۲۰۰۴» یک قدرت هسته‌ای خواهد بود.

در سال ۲۰۰۵، رئیس موساد گفت که ایران کمتر از سه سال دیگر می‌تواند بمب بسازد. در سال ۲۰۱۲، نتانیا هو در سازمان ملل ادعا کرد که «فقط چند ماه، احتمالاً چند هفته مانده تا ایران اورانیوم غنی شده کافی برای اولین بمب را به‌دست آورد.» و همینطور ادامه دارد. الگوی تغییر مهلت‌های زمانی در بیش از ۳۰ سال نشان‌دهنده استراتژی عمدی است؛ نه شکست در رسالت آن. این ادعاها پروپاگاندا هستند؛ همیشه یک «تهدید خارجی» وجود دارد. مهم‌تر از آن، ادعای ساختگی نتانیا هو هم وجود دارد که مذاکره با ایران بی‌فایده است.

ایران به‌طور مرتب می‌گوید که سلاح هسته‌ای نمی‌خواهد و مدت‌هاست که آماده مذاکره است. در اکتبر ۲۰۰۳، آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب فتوایی را صادر کرد که تولید و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را ممنوع می‌کرد؛ حکمی که ایران در آگوست ۲۰۲۵ در نشست آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین به آن استناد کرد و به عنوان مانعی مذهبی و قانونی برای رسیدن به

سلاح‌های هسته‌ای به آن رجوع می‌شود.

حتی برای آن‌هایی که نسبت به نیت ایران تردید دارند، ایران همواره به‌دنبال توافقی مورد مذاکره با پشتوانه راستی‌آزمایی‌های سازمان‌های بین‌المللی مستقل بوده است. در مقابل، لابی صهیونیستی با هر گونه از این سازش‌ها مخالفت کرده، آمریکا را تشویق می‌کند تا تحریم‌ها را نگه دارد و توافقی‌هایی را که اجازه نظارت محض سازمان بین‌المللی انرژی اتمی در ازای لغو تحریم‌ها را می‌دهد، رد کند.

در سال ۲۰۱۶، دولت اوپاما به‌همراه بریتانیا، فرانسه، آلمان، چین و روسیه به‌برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) با ایران رسیدند؛ توافقی تاریخی برای نظارت دقیق بر برنامه هسته‌ای ایران در ازای لغو تحریم‌ها.

با این حال، با فشارهای بی‌ان نتانیا هو و لابی صهیونیسم، دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۸ از توافقی برجام خارج شد. قابل پیش‌بینی بود که زمانی که ایران با گسترش غنی‌سازی اورانیوم واکنش نشان داد، برای نقض این توافقی که آمریکا به‌نوبه خود آن را ترک کرده بود، مورد سرزنش قرار بگیرد. استانداردهای دوگانه و پروپاگاندا را به‌سختی می‌توان نادیده گرفت.

در ۱۱ آوریل ۲۰۲۱، موساد به تأسیسات هسته‌ای ایران در نطنز حمله کرد. پس از این حمله، ایران در حالی که بارها خواستار از سرگیری مذاکرات برای توافقی ماند در جام شده بود، در ۱۶ آوریل اعلام کرد که ظرفیت غنی‌سازی اورانیوم خود را به‌عنوان اهرم چانه‌زنی افزایش می‌دهد. دولت بایدن برگزارای چنین مذاکراتی را قبول نکرد.

در شروع دور دوم دولت ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا موافقت کرد تا دور جدیدی از مذاکرات با ایران را آغاز کند. ایران متعهد شد که از سلاح‌های هسته‌ای خود دست بکشد و تحت بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار بگیرد اما حق غنی‌سازی اورانیوم را برای مقاصد غیرنظامی خود محفوظ نگه دارد. دولت ترامپ در ظاهر تا این مرحله موافقت کرده بود اما سپس از آن عقب کشید. از آن زمان، ۵ دور از مذاکرات برگزار شدند که هر دو طرف از پیشرفت‌ها در مذاکره خبر دادند.

ظاهراً قرار بود دور ششم روز یکشنبه ۱۵ ژوئن برگزار شود. در عوض، در ۱۲ ژوئن اسرائیل جنگ پیش‌دستانه‌ای را راه انداخت. ترامپ تأیید کرد که ایالات متحده از قبل از این حملات خبر داشت، حتی زمانی که دولت علناً به‌دنبال دور جدید مذاکرات بود.

حمله اسرائیل نه تنها در میانه مذاکراتی که پیشرفتی در آن‌ها حاصل شده بود اتفاق افتاد بلکه چند روز قبل از کنفرانس سازمان ملل درباره فلسطین برنامه‌ریزی شد که می‌توانست پیشرفتی در زمینه راه حل دوکشوری ایجاد کند. این کنفرانس حالا به‌تعویق افتاده است.

حملات اسرائیل به ایران حالا تهدیدی است از تشدید جنگی تمام‌عیار که پای ایالات متحده و اروپا را در کنار اسرائیل قرار می‌دهد و روسیه و شاید پاکستان را در کنار ایران. ما به‌زودی شاهد رویارویی چندین قدرت هسته‌ای با یکدیگر خواهیم بود که جهان را به نابودی هسته‌ای نزدیک‌تر می‌کند. ساعت آخرالزمان روی ثانیه ۸۹ تا نیمه شب است؛ نزدیک‌ترین زمان به آرماگدون هسته‌ای از زمان راه‌اندازی ساعت آخرالزمان در سال ۱۹۴۷.

طی ۳۰ سال گذشته، نتانیا هو و حامیان آمریکایی‌اش نواری به طول ۴ هزار کیلومتر از کشورهایی سراسر شمال آفریقای شمالی، شاخ آفریقا، شرق مدیترانه و غرب آسیا را نابود یا بی‌ثبات کرده‌اند. هدف آنها جلوگیری از تشکیل کشور فلسطینی با سرنگونی دولت‌های حامی آرمان‌های فلسطینیان بوده است.

جهان شایسته چیزی بیش از این افراط‌گرایی است. بیش از ۱۸۰ کشور در سازمان ملل خواستار راه حل دوکشوری و ثبات منطقه‌ای شده‌اند. این منطقه‌تر از آن است که اسرائیل برای دستیابی به دستاوردهای غیرقانونی و افراط‌گرایی خود جهان را به آستانه آرماگدون هسته‌ای بکشانند.

گرفتاری جدید عراق

در حالی که جت‌های اسرائیلی و موشک‌های ایرانی در آسمان خاورمیانه به پرواز درمی‌آیند، عراق خود را در شرایط بسیار حساسی می‌بیند. دو قدرت بزرگ در خاورمیانه امروز در بالای سر عراق با هم درگیر هستند و ثباتی که عراق مدت‌ها برای ایجادش تلاش کرده، حالا بر لبه پرتگاه قرار گرفته است. واشنگتن نیز پس از تصمیمش برای تخلیه پرسنل سفارتش در عراق نشان داد شرایط عراق را حساس ارزیابی می‌کند. علاوه بر این نیروهای آمریکایی نیز در منطقه عقب نشسته‌اند. این عقب‌نشینی براساس اطلاعاتی انجام شده است که نشان می‌دهد اسرائیل برای حملات دوربردش به ایران از آسمان عراق استفاده خواهد کرد. شیاع‌السودانی، نخست‌وزیر عراق حالا در وضعیت پیچیده‌ای قرار گرفته است. از یک سو مجبور است همکاری‌های امنیتی عراق با ایالات متحده را ادامه دهد و از سوی دیگر با فشار افکار عمومی عراق و نیروهای حامی ایران در داخل مواجه است. گروه‌های مورد حمایت ایران در عراق از نزدیک درگیری اسرائیل با ایران را تحت نظر دارند و در روزهای اخیر اعتراضات‌شان به حضور نیروهای آمریکایی بلندتر شده است. آنها حتی تهدید کرده‌اند که ممکن است حملات‌شان به نیروهای آمریکایی باقی‌مانده در عراق را از سر بگیرند. نیروهای حشدالشعبی نیز از این وضعیت ناراضی هستند. این نیروی بزرگ در سال ۲۰۱۶ و در جریان مبارزه عراق با حمله داعش، با کمک ایران شکل گرفت. علاوه بر این، گروه کتائب حزب‌الله از دیگر نیروهای مسلح تأثیرگذار در عراق است. این نیروها در ماه‌های گذشته حتی در مقابل رویکرد دولت عراق در برقراری رابطه با هیئت تحریرالشام که اخیراً در سوریه به قدرت رسیده است، ایستاده‌اند. خصوصیت این نیروها با نیروهای آمریکایی زمانی عمیق‌تر شد که آمریکا در ژانویه سال ۲۰۲۰، ژنرال قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس ایران و ابومهدی المهندس، فرمانده عراقی حشدالشعبی را در نزدیکی فرودگاه بغداد ترور کرد. این خصوصیت بعدها و در جریان حملات شدید اسرائیل به غزه افزایش یافت. در نتیجه این تحولات، دولت عراق که با احتیاط سعی دارد روابط خوبی هم با آمریکا و هم با ایران داشته باشد و میزبان تعداد ۲ هزار و ۵۰۰ نیروی آمریکایی در خاک خود است، در مدیریت شرایط داخلی با مشکل مواجه شده است. اخیراً نیز با شروع حملات اسرائیل به ایران، وضعیت پیچیده‌تر شده است. ابوحسین الحمیدوی، دبیرکل گروه کتائب حزب‌الله اخیراً گفته است: «اگر آمریکا جرأت کند و وارد این جنگ شود، ما مستقیماً و بدون تردید منافع و پایگاه‌های آمریکا را در سراسر منطقه هدف قرار می‌دهیم.» یکی از فرماندهان حشدالشعبی در عراق نیز همین موضوع را تکرار کرده است. اکرم الکعبی، دبیرکل جنبش النجباء عراق نیز تأکید کرده که حمله اسرائیل به ایران با همکاری آمریکای اشغالگر صورت گرفته است. او از دولت عراق خواست هر چه زودتر نیروهای آمریکایی را از خاک عراق بیرون کند. توانایی دولت عراق برای کنترل این گروه‌ها، با توجه به نفوذ و ساختار سیاسی عراق، همچنان محدود است. اگر جنگ اسرائیل و ایران ادامه‌دار شده و طولانی شود، بعید است دولت عراق بتواند به‌طور موثری این گروه‌ها را کنترل کند. علاوه بر این، آسیب‌پذیری عراق در دفاع از حریم هوایی‌اش نیز بر شدت مشکل افزوده است. به‌رغم اینکه عراق در سال‌های اخیر بالغ بر دو میلیارد دلار بر روی سامانه‌های دفاع موشکی‌اش سرمایه‌گذاری و سعی کرده تکنولوژی دفاع موشکی را از کشورهایی نظیر کره جنوبی و فرانسه خریداری کند اما این سامانه‌ها از جمله رادارهای هشدار زود هنگام هنوز به بهره‌برداری کامل نرسیده‌اند. در صورتی که تجاوز به حریم هوایی عراق همچنان ادامه داشته باشد، عراق که به لحاظ داخلی آسیب‌پذیر و به لحاظ جغرافیایی در خطر است، ممکن است به میدان نبرد و به قربانی جنگ اسرائیل و ایران تبدیل شود و اگر این درگیری طولانی شود، تهدید وجودی برای عراق و امنیتش به‌هیچ‌عنوان بعید نیست.